

پرونده



تبریز/ آذربایجان شرقی

عکس و متن:

فرینوش اکبرزاده

کلاه خاطرات

گشتی در بازار کلاهدوزان تبریز

آن سوی هیاهوی «خیابان دارایی»، پس از خنکای «پامبوچی بازار» (بازار پنبه‌فروشان) کمی بالاتر از تقاطع راسته بازار جدید و سرای میرزا جلیل، پس از مسجد مدرسه حاج صفرعلی وارد بخشی از بازار تاریخی تبریز می‌شویم که ترکیبی است از بوی پشم و الیاف معلق مانده در هوا و کاموای رنگین که در شمایل «کلاه» چشم‌انتظار خریداران عمده و مشتریان گذری هستند.

«بازار کلاهدوزان» که در تبریز به «بوهچی بازار» یا «بورکچی بازار» مشهور است، با قدمتی همپای تاریخ، میزبان مشتریانی از این سو و آن سوی ایران و حتی دنیاست تا با سری مزین به یکی از انواع رنگارنگ کلاه، این راسته زیبارا بدرود گویند.

آرام با پشت دست رویشان ضربه می‌زند، رنگ و رویشان را تنظیم می‌کند و درباره‌اش توضیح می‌دهد.



در میان کلاه‌ها، چند تای آن‌ها هستند که در دست آقا مهدی، زمان بیشتری می‌چرخند. یکی از آن‌ها کلاهی است با لبه‌ای صاف و استوانه‌ای، عموماً مشکی و با الیاف کوتاه که خودش به آن «کلاه ستارخان» می‌گوید.

کلاه محبوب کلاهدوز باتجربه بازار، وقتی بر سرش می‌نشیند، به او هیبتی همچون مجاهدان مشروطه‌خواه محله «چرنداب» می‌دهد که قطار فشنگ در بر، برای آزادی و قانون سینه سپر کرده بودند.

این کلاه، بسیار ساده و ظریف است؛ اما دوختی دقیق می‌طلبد که در دست این هنرمند کهنه‌کار، چیزی حدود دو ساعت زمان می‌برد و بسته به نوع پارچه یا پوست مورد استفاده بین ۲۰۰ هزار تا یک میلیون تومان قیمت دارد.



کلاه‌های قزاقی بیشتر از سوی کلکسیونرها یا برای قرار گرفتن در میان مجموعه‌های نمایشی و دکور مراکز مختلف سفارش می‌شوند و می‌توانند تا ۸۰۰ هزار تومان یا بالاتر قیمت بخورند.

در میانه راسته، حجره کوچکی است که همه آن را به نام حجره «آقا مهدی بوهچی» می‌شناسند.

آقا مهدی البته عنوان «پاپاچی» را برای معرفی خود برگزیده و می‌گوید چهارمین نسل از خانواده‌ای است که فن و هنر دوخت کلاه‌های سنتی را سینه به سینه منتقل کرده و هزاران کلاه از زیر دست ایشان بر سر مردمانی در اقصی نقاط دنیا، سروری کرده است.



در حجره کوچک آقا مهدی، همه چیز به وفور یافت می‌شود؛ ده‌ها نوع چرم تیره و روشن و بافت‌دار، انواع پوست و خز مصنوعی، پارچه دور دوز و آستر و ساتن آهار خورده، گندهای قالب‌گیری چوب گردو، قیچی‌های کوتاه و بلند و چرخ خیاطی دوخت پارچه‌های بافت‌دار با ساعتی زمان و حوصله، به کلاهی تبدیل می‌شود که یا بر سر آدم خوش ذوقی خواهد نشست یا در قفسه‌ای، کمدی، نمایشگاهی، یادآور فرهنگ و تاریخ رفته بر ملتی خواهد بود.

کلاهدوز قصه ما، حدود ۴۰ سال است که از شاگردی پدر تا استادکار شدن، در میان کلاه‌ها زندگی کرده؛ مردی است بسیار آرام و خوش برخورد که با حوصله‌ای مثال زدنی، دانه دانه کلاه‌ها را از قفسه‌های متراکم برمی‌دارد،